

Noor Asharaf

Assistant Professor (Guest Faculty)

Dept. of Persian, MMHAPU, PATNA

Email: ashrafjnu@gmail.com

E-Content

Sem-1, Paper code: 102

Persian (M A)

Topic: Ferdowsi (Poet)

فردوسی شاعر بزرگ حماسه سرای ایران زمین است. برخی فردوسی را بزرگ‌ترین سراینده پارسی‌گو دانسته‌اند که از شهرت جهانی برخوردار است. فردوسی را حکیم سخن و حکیم طوس گویند. شاهنامه فردوسی بخشی از هویت فرهنگی ادبیات ایران را تشکیل می‌دهد و سند افتخار ایران باستان است. فرهنگ و ادبیات ایران دارای پیشینه‌ای قوی و با افتخار است. در طول قرن‌های گذشته شاعران و سخن‌سرایان نامی در کشور ایران زندگی کرده‌اند و آثار ارزشمند از ادبیات کهن ایران زمین، از خود به یادگار باقی گذاشته‌اند. هر کدام از آثار شاعران و نویسندگان ایرانی، برگ‌هایی از سند افتخار ایران در جهان به حساب می‌آیند.

فردوسی در سال ۳۱۹ هجری شمسی، مصادف با ۳۲۹ هجری قمری و ۹۴۰ میلادی در روستای پاژ طوس به دنیا آمد. برپایه دیدگاه بیشتر پژوهشگران امروزی، فردوسی در سال ۳۲۹ ه‍.ق برابر با ۹۴۰ م، در روستای پاژ در شهرستان طوس در خراسان دیده به جهان گشود. نظامی عروضی (وفات ۵۶۰ ه‍.ق)، نخستین پژوهنده‌ای که درباره زندگی فردوسی جستاری نوشته، زایش فردوسی را در روستای «باز» (پاژ) دانسته است. منابع تازه‌تر روستاهای «شاداب» و «رزان» را نیز جایگاه زایش فردوسی دانسته‌اند.

کُنیه وی «ابوالقاسم» و تخلص و شهرتش «فردوسی» است، هیچ‌گونه آگاهی قطعی از نام و خانوادهاش در دست نیست. در منابع گوناگون و در دیباچه برخی نسخه‌های دست‌نویس شاهنامه، نام وی منصور، حسن یا احمد آمده و نام پدرش حسن، احمد یا علی و نام پدر بزرگش شرف‌شاه یاد

شده است. از میان این گفته‌های گوناگون، معتبرترین نام این شاعر ایرانی «ابوالقاسم فردوسی طوسی» است. این که چرا شاعر تخلص فردوسی را برای خود گزیده است، پدر فردوسی در طبران توس دارای مال و اموال و جایگاه مناسبی بود. خانواده فردوسی از دهقانان صاحب زمین و ثروت بودند و به همین دلیل، فردوسی در دوران نوجوانی و جوانی‌اش در آسایش و راحتی زندگی کرده است. سال زایش فردوسی در ۳۲۹ هـ.ق از آنجا دریافته شده، که وی در سه پاره از سروده‌هایش، به سن خود اشاره کرده است. نخست در داستان «جنگ بزرگ کیخسرو» از تهیدستی خود در شصت و پنج سالگی می‌گوید و پس از آن می‌افزاید که در پنجاه و هشت سالگی و زمانی که جوانی را گذرانده بود، فریدون دوباره زنده شده و جهان را به دست گرفت که منظور وی، به تخت‌نشستن محمود است:

| | |
|-------------------------------|-------------------------------|
| بدانگه که بُد سال پنجاه و هشت | نوان تر شدم چون جوانی گذشت |
| خروشی شنیدم ز گیتی بلند | که اندیشه شد تیز و تن بی‌گزند |
| که‌ای نامداران و گردن‌کشان | که جُست از فریدون فرخ‌نشان |
| فریدون بیداردل زنده شد | زمین و زمان پیش او بنده شد |

برپایه بیتی در *هجوتنامه*، فردوسی در سال‌هایی پس از سرایش *شاهنامه*، از سن خود دگربار یاد کرده و خود را هشتاد ساله خوانده است:

کنون عمر نزدیک هشتاد شد امیدم به یک باره بر باد شد

فردوسی پیرو دین اسلام بود و به پیغمبر اسلام (ص) و امامان شیعه عشق می‌ورزید و بخش‌هایی از شاهنامه را در مدح و ستایش آن‌ها سروده است. برخی از مورخان بر این باور هستند که فردوسی در سرایش شاهنامه و شیوه روایت حماسی خود در این اثر، ادامه دهنده شاعرانی مانند مسعودی مروزی و دقیقی توسی بوده است، که پیش از فردوسی اقدام به نظم در آوردن تاریخ ایران کرده بودند؛ اما کارشان ناتمام مانده بود.